

یادداشت سیاسی هفته

**۱۶ آذر، روز دانشجو، تجلی اراده‌ی دانشجویان با شعار
«اتحاد، مبارزه، پیروزی» روز مبارزه با استبداد سلطنتی و امپریالیسم
امیرجواهری لنگرودی**

a.java99@gmail.com



هفتاد و دو (۷۲) سال پیش، چهار ماه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۳۲، در روزی که نیکسون برای اطمینان از تحکیم روابط بعد از کودتا وارد ایران می‌شد، دانشجویان در دانشگاه تهران در اعتراض به نقش سیا و ام.آی.۶ در سرنگونی دولت دمکراتیک مصدق، به پا خاستند و با شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» در برابر قوای سرکوب ایستادند. از آن روز تا به امروز، ۱۶ آذر، روز مبارزه با استبداد سلطنتی و امپریالیسم و دیکتاتوری مذهبی نام گرفت و دانشجویان این روز را تجلی اراده این مبارزه می‌شناسند.

ویژگی هر جامعه‌ای در این خلاصه می‌گردد که رخدادهای اجتماعی هیچ‌گاه از اذهان عمومی جامعه پنهان نماند، بلکه در بزنگاه‌ها دهان وا می‌کند و از عاملان و آمران تاریخی آن دادخواهی نمایند. اما اهمیت ۱۶ آذر فقط در آن سال خونین خلاصه نمی‌شود. دانشگاه در ایران از همان آغاز تأسیس‌اش فقط محل آموزش نبود؛ سنگری برای آزادی و نقد و مشارکت اجتماعی بود. از اعتراضات دوران رضاشاه تا جنبش ملی شدن نفت، از ۱۶ آذر ۳۲ تا به امروز، دانشگاه بارها نشان داد که پیشقراول جامعه است.

اعتصاب ۱۳۱۵، اعتراضات پس از شهریور ۱۳۲۰، حضور فعال در جنبش ملی شدن نفت، تا فریادهای خونین ۱۶ آذر ۱۳۳۲، دانشگاه را به نماد مقاومت در برابر دیکتاتوری و سلطه‌جویی کشورهای امپریالیستی تبدیل کرد. پس از انقلاب ۱۳۵۷ نیز، علی‌رغم سرکوب سیستماتیک «انقلاب فرهنگی»، اخراج‌ها، تصفیه‌ها و تلاش برای کنترل فضای دانشگاه، جنبش دانشجویی بارها و بارها نشان داده است که نه با تعطیلی، نه با سانسور، و نه با ایجاد جو امنیتی خاموش‌شدنی نیست.

در شانزدهمین روز آذر سال ۱۳۳۲، هفتاد و دو سال پیش، دستگاه سلطنت پهلوی مرتکب جنایتی در دانشگاه تهران شد؛ به همان‌گونه که حاکمیت خمینی با حمله به دانشگاه‌های سراسر کشور، بستن دفاتر گروه‌ها و سازمان‌ها «انقلاب ضد فرهنگی» را بر دانشجویان و سرکوبی آنان تحمیل نمود، و یا با حمله‌ی هیجده (۱۸) تیر ۱۳۷۸ کوی دانشگاه

تهران را به صحنه جنایت دانشجویان دختر و پسر بدل ساخت.

در شانزده آذر جامعه ما شاهد حمله نیروهای ارتش به دانشجویانی بود که به کشته شدن ۳ نفر دانشجو به نام‌های **احمد قندچی** از طرفداران جبهه ملی و **مصطفی بزرگنیا** و **مهدی شریعت رضوی**، دو دانشجوی توده‌ای دانشگاه تهران و به زخمی شدن ده‌ها نفر انجامید. با کشته شدن دانشجویان نام‌برده، در مراسم خاکسپاری اینان در امامزاده عبدالله شهر ری برگزار شد و شعار می‌دادند: «دانشجو بیدار است، از آمریکا بیزار است.»

این حادثه تلخ و نگون‌بخت تاریخ جنبش دانشجویی ایران، حدود ۱۰۰ روز پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و سقوط دولت دکتر محمد مصدق و روی کار آمدن دولت کودتایی فضل‌الله زاهدی و با بازگرداندن محمدرضا شاه، فصل تاریکی از استبدادی خشن و دخالتگری امپریالیستی را برای بیش از یک ربع قرن بر ایران حاکم نمود. به گفته‌ی تاریخ‌نگاران، هنوز خشم و افسردگی ناشی از سقوط نخست‌وزیر ملی‌گرای ایران محمد مصدق در فضای عمومی کشور ایران موج می‌زد.

طی آن سال‌ها، ایالات متحده آمریکا و استعمار پیر، بریتانیا، آن‌قدر به کنار زدن محمد مصدق از قدرت مصمم بودند که در نظر داشتند اگر شاه از نقشه کودتای آنها حمایت نکند، خود او را از تخت سلطنت ساقط و برادرش غلامرضا را جانشین او کنند. سازمان‌های جاسوسی آمریکا و بریتانیا لوی هندرسون، اشرف پهلوی، اسدالله رشیدیان و

نورمن شوارتسکف (پدر) را نزد شاه فرستادند تا رضایتش را جلب کنند، ولی شاه اراده و جرئت اقدام علیه مصدق را نداشت. سیا (CIA)، سپس کرمیت روزولت را راهی نمود که به شاه هشدار داد کودتا بدون همکاری او هم انجام خواهد شد؛ که در این صورت، آمریکا و بریتانیا دیگر از خاندان پهلوی حمایت نخواهند کرد و این سلسله می‌تواند منقرض شود.

طی دو دهه گذشته، با خارج شدن اسناد طبقه‌بندی شده کودتا مشخص گردید که بریتانیا و آمریکا، هم بر اساس مستندات که منتشر شد، در همدستی با روحانیت (سید ابوالقاسم کاشانی و سید محمد بهبهانی)، دربار، ارتش و گارد جاویدان شاه – شعبان جعفری و دسته‌بندی چندگانه کلاه‌مخملی‌ها – در ترکیب فشرده‌ی جمعیت چماقدار که شامل برخی از رعب‌آورترین خلافکاران تهران بود و از قرار از طریق کاشانی و سید محمد بهبهانی به کار گرفته شده بودند و سیا (CIA) به آنان پول رسانده بود، از جنوب تهران میدان امین‌السلطان راه افتادند و خود را به میدان بهارستان رساندند و این منطقه را در قرق خود درآوردند. در حمله به منزل مصدق، به همراه تانک زرهی، در کودتای ۲۸ مرداد نقش رهبری‌کننده مستقیم داشتند.

نیکسون در نطقی که پس از کودتای ۲۸ مرداد در کنگره‌ی آمریکا ایراد کرده بود، سقوط دولت محمد مصدق را «پیروزی سیاسی امیدبخشی» توصیف کرده بود «که در ایران نصیب نیروهای طرفدار تثبیت اوضاع و قوای آزادی‌خواه شده است.» قرار بود معاون رئیس‌جمهور

آمریکا در جریان دیدار از ایران از دانشگاه تهران بازدید کند و دکترای افتخاری دانشکده حقوق این دانشگاه را دریافت کند.

دانشجویان معترض به حضور نیکسون، نماینده کودتای آمریکایی بر علیه محمد مصدق در ایران، از دو روز پیش از سفر او در اطراف و داخل دانشگاه دست به تجمعات اعتراضی زدند که به دستگیری شماری از آنها منجر شد. اما روز شانزدهم آذر ۱۳۳۲، دو روز پیش از ورود معاون رئیس‌جمهور آمریکا، نیروهای ارتش با هدف کنترل دانشجویان در اطراف و محوطه دانشگاه تهران مستقر شدند. علی‌اکبر سیاسی، رئیس دانشگاه تهران، هم بر اساس دست‌نوشته‌هایش پس از این واقعه، به دیدار محمدرضا شاه رفت و به حمله ارتش به حریم دانشگاه اعتراض کرد. شاه و حکومت او، چنان‌که دکتر سیاسی می‌گوید، در اقناع و دلجویی از دانشجویان و خانواده‌های کشته‌شدگان ناکام ماندند و سالگرد این روز به نمادی برای اعتراض به سرکوب و دخالت خارجی و مهم‌تر از آن، گرامیداشت دانشجویان آزادی‌خواه بدل شد.

به اعتقاد تاریخ‌نگاران، ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ اعتراضات دانشجویی در ایران را آرام‌آرام به شکل جنبش درآورد و به آن هویت و شکل داد.

روز ۱۶ آذر، سال‌هاست به یاد دانشجویان کشته‌شده دانشگاه تهران، نام یکی از خیابان‌های همجوار دانشگاه است. گذشت حوادث طی ۷۲ سال از ۱۶ آذر ۱۳۳۲، این روز را نه یک مراسم، بلکه یک روز مهم در تقویم تاریخی جنبش

دانشجویی و ترقی‌خواهی ایران معرفی کرده و مبارزات دانشجویان در ۱۸ تیر ۷۸، جنبش ضد استبدادی خرداد ۸۸، حضور دانشجویان در مبارزات دی ۹۶ و آبان ۹۸، نقش پیشرو در جنبش عظیم «زن، زندگی، آزادی»، و ده‌ها حرکت مدنی و صنفی دیگر، همه گواه زنده‌بودن این سنت مبارزاتی و تبدیل دانشگاه به سنگر آزادی است. فریاد دانشجویان در هر ۱۶ آذر، نه یک مراسم، که تعهدی تاریخی است؛ تعهد به گفتن نه به استبداد، نه به تبعیض، و نه به نادیده‌گرفتن حقوق ملت. از این‌رو، دانشگاه همیشه یکی از موتورهای اصلی مقاومت بوده است.

امروز نیز همچون دیروز، دانشجویان به‌عنوان فرزندان زحمتکشان کشور، در کنار مبارزات زنان، کارگران، معلمان، بازنشستگان و محرومان و دیگر گروه‌های اجتماعی، دانشجویان به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه مردم برای دستیابی به جامعه‌ای آزاد، عادلانه و انسانی تلاش می‌ورزند. به عبارتی، جنبش دانشجویی چه در دوران شاه و چه امروز در جمهوری اسلامی، یک مسیر مشترک را پیموده است: ایستادن در برابر استبداد، تبعیض و هرگونه تلاش برای تحمیل سکوت. دانشگاه همچنان سنگر آزادی‌خواهی است؛ جایی که صدای بی‌صدایان می‌شود و هزینه‌ایستادگی را با شجاعت می‌پردازد.

۱۶ آذر برای ما یک مراسم سالانه نیست؛ یک تعهد است: تعهد به اینکه ظلم را عادی نکنیم، سرکوب را فراموش نکنیم، و در برابر هر شکل از دخالت خارجی و استبداد داخلی بایستیم.

باری، جنبش دانشجویی در سراسر دانشگاه‌های کشور به
نماد آزادی‌خواهی در برابر نظام (شاه و شیخ) بدل به سنبل
جنبش آزادی‌جویی، سنگر مبارزه برای دستیابی به
برابری‌طلبی و دموکراسی‌خواهی و جنبش دادخواهی، از
دیرباز تا به امروز هستند و در این مبارزه تاریخ‌ساز از پای
نمی‌نشینند.